نظری به درمان‌های «اسطوره‌ای»

کامران محلوجی[الف]، محسن باغبانی[ب]، مه‌سیما عبدلی[الف*]، شیدا مهنام[ج]

[الف]مؤسسهٔ مطالعات تاریخ پزشکی-طب اسلامی و مکمل، دانشکدهٔ طب ایرانی، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران
[ب]پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران
[ج]بنیاد ایران‌شناسی، تهران، ایران

چکیده

سابقه و هدف: پژوهش‌های حوزهٔ تاریخ پزشکی برای ورود و مطالعهٔ جنبه‌های مختلف این علم به‌ویژه در عرصهٔ پژوهش‌های تلفیقی و میان‌رشته‌ای نیازمند دستگاه واژگانی مناسب خود است. بررسی شیوه‌های درمانی موجود در منابع آیینی و اسطوره‌ای حاکی از آن است که برای چنین موضوعاتی هنوز اصطلاحات مناسبی وضع نشده است. یکی از این دسته موارد درمان‌هایی است که صرف نظر از نوع بیماری با یک شیوهٔ ثابت اعمال می‌شود و می‌توان از آن تحت عنوان "درمان‌های تک‌روش" نام برد.

مواد و روش‌ها: این مطالعه با روش کتابخانه‌ای و جست‌وجو در پایگاه‌های اینترنتی PubMed, Scopus, Magiran, Google Scholar, SID استخراج داده‌های مرتبط با درمان‌های تک براساس مقالات موجود در این زمینه انجام شده است.

یافته‌ها: شیوه‌های درمان تک‌روش که اغلب در ارتباط با یک منبع غیرمادی هستند بر خلاف منش پزشکی رایج که برای هر بیماری یک درمان را می‌جوید، برای همه یا طیفی از بیماری‌ها با یک روش یا با روش‌های محدود اقدام به درمان می‌کنند. برخی از متن‌های کهن و حتی مراسم همانند آئین تدهین بیماران در مسیحیت در ذیل عنوان درمان اسطوره‌ای قرار می‌گیرند. این نوع از درمان‌ها ارتباط مستقیم درمان بیماری‌ها را با ایمان و فیض الهی، و یا یک منبع روحانی روشن می‌سازد. به‌طور مثال تدهین با روغن آیینی، نوعی درمان تک‌روشی است و فقط از یک روش برای درمان همهٔ بیماران بهره می‌برد ولی به دلیل اثربخشی و یا همسویی با مؤمن خود، توانسته همچنان پایدار باقی بماند.

نتیجه‌گیری: با توجه به دامنهٔ وسیع کاربرد درمان‌های تک‌روش، پیداست که در این نوع از درمان‌ها رابطهٔ مستقیمی بین روش درمان و بیماری، آن‌گونه که در پزشکی مدرن به آن برمی‌خوریم، وجود ندارد. استفاده از درمان‌های تک‌روش ریشه در درمان‌های اسطوره‌ای داشته است و بررسی بینش حاکم بر این روش‌های درمانی و دلایل پایداری این سنت‌ها می‌تواند به درک چگونگی اثربخشی، در درمان بیماری‌ها در خلال قرون کمک شایان توجهی کند و موجب تعامل تاریخ پزشکی و شاخه‌های مختلف دانش شود.

کلیدواژه‌ها: درمان، روغن‌مالی، تاریخ پزشکی

تاریخ دریافت: دی ۱۳۹۹
تاریخ پذیرش: خرداد ۱۴۰۰

مقدمه:

تاریخ پزشکی یکی از شاخه‌های رشتهٔ تاریخ علم است که به بررسی دانش پزشکی و فروعات آن در بستر تاریخ می‌پردازد (۱). در این مطالعات از یک طرف داده‌ها اهمیت چشمگیری دارند و از طرف دیگر ابزارهایی که بتوانیم با آن‌ها این داده‌ها را تحلیل و درک کنیم، اهداف ما را محقق می‌سازند. در چند دههٔ اخیر این حوزه از دانش بشری، با گسترش روش‌های مطالعاتی در حوزهٔ تاریخ و علوم وابسته به آن، دستخوش تغییرات فراوانی شده که لازم است در توسعهٔ ابزارهای مناسبی بکوشد که آن را برای ارائه تفسیرهای جدید آماده سازد؛ برای نمونه، نگاهی کلی به انواع طب و روش‌های درمانی موجود در جهان، نشان می‌دهد که به‌منظور بازشناسی این موضوعات از یکدیگر از تقسیمات مختلفی استفاده شده است (۲)؛ مانند:

* فرد مسئول مکاتبات: Abdoli.m@kar.iums.ac.ir

- طب سنتی و طب مدرن (تقسیم براساس تاریخ پیدایش)
- طب چینی، طب هندی، طب ایرانی و... (تقسیم بر حسب جغرافیا)
- طب رسمی، طب مکمل، طب جایگزین (تقسیم بر حسب اولویت)
- درمان‌های تهاجمی و غیرتهاجمی (تقسیم براساس میزان خطرآفرینی)

در این میان، قسمت دیگری نیز وجود دارد که به‌نظر می‌رسد در تاریخ‌نگاری پزشکی می‌تواند مورداستفاده قرار گیرد که آن تقسیم روش‌های درمانی براساس تنوع در تشخیص افتراقی[1] و استفاده از الگوهای درمانی و نیز مبدأ پیدایش این روش‌ها و دیرینگی آن‌هاست.

در طب امروز، فرض بر تنوع عوامل بیماری‌زا (پاتوژن‌ها)[2] و لزوم تنوع در روش‌های درمانی است (۳)؛ یعنی هر بیماری دلیل خاص خودش را دارد و درمان متناسب با خود را نیز می‌طلبد. چنین نگره‌ای سبب پیدایش انواع روش‌های تخصصی درمانی شده است؛ درحالی‌که برخی نگره‌های دیگر، از آن رو که عوامل بیماری‌زا را محدودتر می‌دانند طبیعتاً از روش‌های درمانی محدودتری برخوردارند. با مقایسهٔ رهیافت‌های درمانی در انواع مختلف طب می‌توان گفت که به‌طور کلی، دامنهٔ تشخیص افتراقی و تفکیک بیماری‌ها در طب کل‌نگر محدودتر از طب جزءنگر است؛ زیرا به هر میزان که در تفسیر عناصر سازندهٔ بدن و عوامل بیماری‌زا به تفکیک کمتری معتقد باشیم، به‌طور طبیعی به روش‌های درمانی محدودتری نیاز خواهیم داشت.

در تصویر ۱، هرچه به‌سمت قلهٔ هرم بالا می‌رویم روش‌های درمانی محدودتر می‌شوند تا جایی که به درمان‌هایی می‌رسیم که تنها با استفاده از یک روش به درمان همه یا طیف گسترده‌ای از بیماری‌ها اقدام می‌کنند. برعکس، حرکت به‌سوی قاعدهٔ هرم به تکثر روش‌های درمانی و تخصصی‌شدن آن‌ها منجر می‌شود.

در روزگار ما، این موضوع که هر بیماری سببی خاص دارد و در نتیجه، روش درمانی خاص خود را می‌طلبد دیگر در زمرهٔ بدیهیات است. تصور عمومی نیز این است که هر قدر این

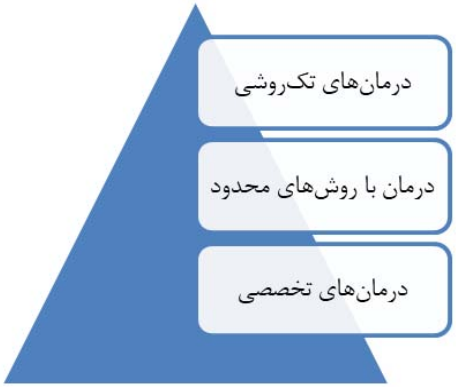

تصویر ۱. هرم طیف بیماری‌های قابل‌درمان براساس شیوهٔ درمان

تمایز وسعت بیشتری داشته باشد امر درمان با قدرت بیشتری انجام می‌گیرد (۴). درنتیجه، دانش پزشکی با همهٔ توان به یافتن روش‌های درمانی تخصصی و گسترش این حوزه پرداخته و از توجه به آن دسته از متدهای درمانی که از روش‌های محدود و مشخص برای درمان همه یا طیفی از بیماری‌ها بهره می‌گیرند بازمانده است. سرنوشت این روش‌ها نیز این است که غیرقابل اعتنا، غیرمؤثر و حتی غیرعلمی دانسته شوند؛ از این رو، این روش‌ها یا جدی گرفته نمی‌شوند یا موردتحریف قرار می‌گیرند.

فرض کنید محققی با پیشینهٔ طب رایج که گرایش به درمان‌های تخصصی دارد، به‌سراغ تفسیر موضوعی برود که در آن توجه به طبقه‌بندی بیماری‌ها بسیار محدود است و از یک روش ثابت برای درمان تمام بیماری‌ها استفاده می‌شود. چنین محققی در بهترین شرایط به‌ناچار پیرایه‌هایی بر آن روش می‌بندد تا آن را به شکلی توجیه کند، درصورتی‌که در حوزهٔ تاریخ‌نگاری دانش پزشکی این خطایی راهبردی و جدی است که به تحریف واقعیت منجر می‌شود. به‌نظر می‌رسد در گام نخست، پذیرش اجمالی درمان‌های تک روش یا درمان با روش‌های محدود -به همان شکل که هستند- محقق را از نگریستن به یک روش درمانی صرفاً از منظر طب رایج و قضاوت عجولانه دربارهٔ آن بازمی‌دارد؛ زیرا درک‌نکردن درست یک درمان تک روش موجب می‌شود این عمل به سطح مباحث پیش‌پاافتاده تقلیل پیدا کند و اثر درمانی واقعی این روش نهایتاً به برخی تأثیرات روان‌شناختی فرو کاسته شود.

مشکل اینجاست که این قبیل فرو کاهیدن مبانی و مبتذل‌کردن موضوع، دسترسی پژوهشگران دیگر را نیز به اصل موضوع محدود و مخدوش می‌کند.

این مقاله با پیشنهاد دو اصطلاح «درمان‌های اسطوره‌ای»[۳] و «درمان‌های تک‌روشی»[۴] تلاش دارد ضمن تبیین جایگاه و اهمیت موضوع، توجه محققان را به این حوزه معطوف کند و ابزاری برای ورود به چنین پژوهش‌هایی در حوزهٔ تاریخ پزشکی فراهم آورد.

یافته‌ها:

اسطوره‌شناسی یکی از دانش‌هایی است که در زمان ما، به یک امر فرهنگی با پیچیدگی‌های روان‌شناختی -آن‌چنان‌که کارل گوستاو یونگ[۵] و جوزف کمبل[۶] آن را تبیین کردند- تبدیل شده و در برخی حوزه‌ها به تاریخ پزشکی پیوند خورده است؛ زیرا بخش قابل‌توجهی از متون اساطیری مرتبط با موضوع درمان است. از قضا، درمان‌های مبتنی بر روش‌های محدود و درمان‌های تک‌روشی را بیشتر در فرهنگ‌های بومی و آیین‌ها و اسطوره‌ها می‌توان جست که هریک سنت یا سنت‌هایی در باب درمان بیماران دارند. از آنجا که این سنت‌ها هنوز در میان باورمندان آن‌ها اعتبار دارد، با غلبهٔ گفتمان طب مدرن بر حوزهٔ سلامت نیز از میان نرفته‌اند و گرچه ادعای خود را دربارهٔ درمان همهٔ بیماری‌ها فرو کاسته‌اند، این توانایی را انکار هم نمی‌کنند. در عمل نیز اغلب، بیمارانی به این روش‌ها مراجعه می‌کنند که طب مدرن از درمان آن‌ها عاجز شده باشد.

با مقایسهٔ چندین روش درمانی مختلف از این نوع که ارتباطی با هم ندارند و مربوط به اقوام متفاوت‌اند می‌توان وجه اشتراک آن‌ها را در این موارد دانست:

۱. این روش‌های درمانی با یک حوزهٔ غیرمادی که شفا از طریق آن محقق می‌شود در ارتباط است. اگر این حوزهٔ غیرمادی ویژگی‌های اساطیری داشته باشد، آن درمان را در حوزهٔ «درمان‌های اسطوره‌ای» قرار می‌دهیم؛ در غیر این صورت آن را «غیراسطوره‌ای» می‌خوانیم؛ برای نمونه درمان‌هایی مانند طب سوزنی با آنکه با مسیرهای انرژی و غیرمادی بدن سروکار دارند در مجموعه درمان‌های اساطیری قرار نمی‌گیرند.

۲. بیشتر این روش‌ها «فردمحور» هستند و بر غنای شخص درمانگر تمرکز دارند؛ یعنی افرادی مانند روحانیون، درمانگران معنوی، شمن‌ها و... کار درمان را بر پایهٔ توانایی ذاتی یا نیرویی که خدا، مکتب یا آیین موردنظر به ایشان اعطا کرده به انجام می‌رسانند[۷].

۳. انجام چنین درمان‌هایی منوط به آشنایی درمانگر با دانش پزشکی مدرن نیست؛ زیرا یافته‌های دانش پزشکی رایج در این نوع درمان‌ها کاربردی ندارد. از این رو، روش‌های درمان اغلب با آسیب فیزیکی عضو بیمار ارتباط مستقیم ندارد یا با سنت رایج درمان تفاوت عمده دارد.

۴. اغلب بر پایهٔ تعریفی غیرمادی از بدن انسان و ارتباط او با هستی بنا شده‌اند؛ به عبارت دیگر، سبب بیماری را مربوط به مسائل غیرمادی مانند گناهان بیمار، ورود شیطان یا جن به بدن او و... می‌دانند و منشأ درمان را نیز به مسائل غیرمادی مرتبط می‌کنند.

۵. اغلب با یک روش یا روش‌های محدود که حتی می‌توان آن را در قالب یک ترم تحدید کرد، به درمان بیماران اقدام می‌کنند.

۶. ابزار درمانی، دارو یا چیزهایی که در امر درمان استفاده می‌شود، اغلب ساده و خاص‌اند.

۷. این نوع درمان‌ها گاه با انجام کارها یا اجرای مناسکی چون خواندن وردها و ذکرهای خاص، دعاکردن، سوزاندن عود و گیاهان معطر دیگر، احضار ارواح، خوردن معجون یا شربتی مخصوص (مانند گیاه هوم در ایران باستان[۸]) یا برگزاری مراسم شمنی توسط شمن‌درمانگران همراه است (۵).

میرچا الیاده[۹] در کتاب از جادودرمانگران تا اسلام به ذکر موارد متعدد درمان‌های آیینی و اسطوره‌ای در قبایل مختلف پرداخته که اغلب آن‌ها با اتصال به یک جایگاه غیرمادی، درمانی را برای بیمار طلب می‌نمایند (۶). با توجه به اینکه او ادیان و اساطیر را در یک گروه تقسیم‌بندی کرده است و ما نیز همان مبنا را برای نام‌گذاری درمان‌های اسطوره‌ای پذیرفته‌ایم،

می‌توان دانست که چرا او در کتاب خود، «دعادرمانی» را هم در زمرهٔ روش‌های درمانی اساطیری برشمرده است.

متأسفانه، با آنکه درمان‌های اساطیری به شکل پراکنده در متون مختلف دیده می‌شوند، هنوز به‌صورت یک پدیدهٔ درمانی (و نه آیینی و اسطوره‌ای) با اصطلاحی خاص که بدان اشاره کند موردبررسی قرار نگرفته‌اند. پژوهش مستقلی نیز دربارهٔ درمان‌های «تک‌روشی» برای فرق‌نهادن میان روش‌های درمانی تخصصی و مجموعه متدهای درمانی با تکیه بر روش‌های محدود، انجام نگرفته است. در حال حاضر، این روش‌های درمانی در بیشتر تقسیم‌بندی‌ها در دایرهٔ طب مکمل قرار گرفته‌اند و هیچ‌گاه به محدودیت‌های روش‌های درمانی آن‌ها به‌سان یک ویژگی برای ایجاد طبقه‌ای مجزا در روش‌های درمانی توجه نشده است.

به‌عنوان نمونه‌ای پربسامد و آشنا برای این نوع درمان‌ها، می‌توان به آیین تدهین در کلیسای کاتولیک اشاره کرد که هم یک متد درمانی تک روش است که در همهٔ بیماری‌ها استفاده می‌شود و هم از ویژگی آیینی و اساطیری برخوردار است. تداوم این سنت تا به امروز توجه ما را به زمینه‌های انسان‌شناختی امر درمان جلب می‌کند و نیاز جهان امروز را به تعریف دوبارهٔ بیماری، درمان و عوامل بیماری‌زا روشن می‌سازد. یکی از این روش‌های درمانی اساطیری، مراسم تدهین در کلیسای کاتولیک می‌باشد. کلیسای کاتولیک[۱۰] بزرگ‌ترین و قدیمی‌ترین نهاد فعال بین‌المللی جهان است (۷) که بیش از ۱/۳ میلیارد پیرو دارد (۸). این کلیسا بر «اعتقادنامهٔ نیقیه»[۱۱] بنا شده و به هفت آیین کلیسا (هفت راز مقدس یا ساکرامنت‌ها)[۱۲] باور دارد. مفهوم دینی راز عبارت از «دریافت نشان مرئی برای دست‌یافتن به فضایل نامرئی است» (۹). نخستین بار، سنت آگوستین قدیس کلمهٔ راز یا سِر را در قرن ۴ و ۵ میلادی به مفهوم امروزی آن (نشانهٔ قابل‌رؤیت از فیض غیرقابل‌رؤیت) به‌کار برده است (۱۰).

این هفت راز مقدس عبارت‌اند از:

- آیین غسل تعمید که سمبل ایمان است؛
- آیین عشای ربانی که سمبل محبت و مشارکت است؛
- آیین تأیید یا تثبیت ایمان که سمبل امید است؛
- آیین ازدواج مسیحی که سمبل زندگی خداپسندانه است؛
- آیین دست‌گذاری یا تفویض درجات روحانی که سمبل برگزیدگی برای خدمت روحانی است؛
- آیین توبه و اعتراف که سمبل عدالت و پاکی است؛
- و آیین تدهین بیماران که سمبل حیات جاودان و سلامت روح و جسم است (۱۰).

برخی از این سنت‌ها مانند غسل تعمید و عشای ربانی و تأیید و توبه برای مؤمنان کاتولیک اجباری و برخی دیگر مثل ازدواج و تدهین اختیاری‌اند (۹). در آیین تدهین بدون اینکه به نوع بیماری توجهی شود، یک مؤمن مسیحی می‌تواند در مراسم تدهین شرکت و طلب شفا کند. راز تدهین بیماران با روغن مقدس با یک حوزهٔ غیرمادی (اب، ابن، روح‌القدس) در ارتباط است که شفا از طریق آن‌ها محقق می‌شود. از آنجا که این حوزهٔ غیرمادی ویژگی‌های مذهبی و اساطیری دارد می‌توان آن را در حوزهٔ «درمان‌های اسطوره‌ای» قرار داد.

- اجراکنندگان این روش، کار درمان را بر پایهٔ نیرویی که به کلیسا عطا شده به انجام می‌رسانند و ابزار درمان در این روش فقط روغنی متبرک است که سلسله‌وار به منبع فیض و شفا متصل است. این روش درمانی با اجرای مناسکی مخصوص همراه است. داشتن ایمان (هم در شخص بیمار و هم در شخص اجراکننده) شرط اصلی رهایی بیمار از درد و رنج و سبب آرامش‌یافتن بیمار است. برای پدر روحانی که مراسم تدهین را به‌جای می‌آورد نوع بیماری هیچ فرقی ندارد و برای همهٔ بیماران فقط از دعا و تدهین استفاده می‌شود؛ درنتیجه می‌توان آن را درمانی تک‌روشی به‌شمار آورد.
- درمان‌هایی با روش‌های محدود

این نوع درمان‌ها را می‌توان در غالب درمان‌های کل‌نگر تعریف کرد. در این دیدگاه، بیماری در نتیجهٔ عدم تعادل فیزیکی، احساسی، معنوی، اجتماعی و زیست‌محیطی در بدن ایجاد می‌شود؛ به عبارت دیگر یک نقطهٔ تعادل برای حوزهٔ سلامتی فرض می‌شود و بیماری یک حالت غیرطبیعی از این وضعیت قلمداد می‌گردد؛ به عبارت دیگر محور مطالعه در این روش‌های درمانی، تمرکز بر روی نقطهٔ تعادل است و برای بدن یک هوشمندی ویژه قائل می‌شوند که می‌تواند بیماری را تدبیر

کند تا سلامتی حاصل شود. عبارت طبیب خادم طبیعت است ناظر به همین نگرش است؛ به عبارت دیگر طبیعتی هوشمند و مدبر برای آن تعریف می‌شود که دانش درمانی در اصل محدود به خدمت به این طبیعت می‌باشد. مفهوم درمان به ضد در طب ایرانی در اصل حرکتی به‌سمت این نقطهٔ تعادل مفروض است.

در این نوع درمان‌ها، سلامتی از ویژگی‌های کل ارگانیسم فرد است و به یک عضو خاص مختص نیست. به‌دلیل دیدگاه تعاملی که در این نوع از روش‌های درمانی بین فرد و هستی اطراف او وجود دارد مفهوم سلامتی به‌عنوان توانایی ارگانیسم، به انطباق‌پیداکردن در مقابل چالش‌های ناشی از محیط‌زیست اطراف او امتداد می‌یابد. تطابق‌هایی که موجب ایجاد تنظیمات جدید در وضعیت بهنجار و آنچه امروزه به‌عنوان بهنجارهای سلامتی می‌شناسیم نیز می‌شود؛ به عبارت دیگر مفهوم سلامتی وابسته به معیارهای ریاضی و یک دامنهٔ مطلوب از فعالیت‌های فیزیولوژی تعریف نمی‌شود، بلکه بیشتر نگاهی عملکردگرا دارد و وابسته به بقای ارگانیسم در تعامل با محیط‌زیست او تعریف می‌شود.

در این روش‌ها برخلاف درمان‌های تک‌روش از ابزار و دارو و شیوه‌های متمایزی برای درمان بهره می‌گیرند؛ اما این نوع از به‌کارگیری غالباً محدودتر از درمان‌های تخصصی می‌باشد. روش‌هایی مانند طب سوزنی، طب ایرانی، آیورودا و جمهور پزشکی‌هایی را که بر پایهٔ طب اخلاطی بنا شده است می‌توان در این حوزه تعریف کرد. نرمال‌بودن و سلامتی را عملکردی می‌داند.

درمان‌های تخصصی

شاید اولین کسی که مفهوم وضعیت نرم در مقابل وضعیت پاتولوژیک را تعریف کرد ژرژ کانگییم بود (۱۱). در این نوع نگاه، هوشمندی بدن و قدرت تدبیر آن برای غلبه بر بیماری، یک نیروی حداقلی برای مدیریت درمان محسوب می‌شود. تمرکز اصلی این نوع نگاهِ درمانی بر روی تعریف وضعیت نرمال و عواملی است که این وضعیت را به حالت پاتولوژیک تبدیل می‌نمایند. آنچه را امروز به‌عنوان پزشکی مدرن می‌شناسیم می‌توان در این تقسیم‌بندی گنجاند. تسلط معیارهای کمّی برای شناخت بیماری‌ها و کشف عوامل متعدد بیماری‌زا موجب شده است که تمرکز و توجه حوزهٔ سلامت متوجه بیماری‌ها و روش‌های متنوع درمانی برای آن‌ها شود. تمرکز این مقاله در اصل بر تبیین مفهوم درمان‌های تک روش و اسطوره‌ای است. به همین دلیل پرداختن به موضوعات درمان‌هایی با روش‌های محدود یا درمان‌های تخصصی به‌اندازهٔ درمان‌های تک روش در این متن موردمطالعه قرار نگرفته است و نگاه به آن‌ها به تبیین مفاهیم درمان‌های اسطوره‌ای محدود می‌باشد.

نتیجه‌گیری:

روش‌های درمانی را می‌توان در قالب‌های مختلفی طبقه‌بندی کرد. یکی از این روش‌های تقسیم‌بندی، بر حسب درمان‌های تک‌روش، درمان‌هایی با روش‌های محدود و درمان‌های تخصصی است. با توجه به دامنهٔ وسیع کاربرد درمان‌های تک‌روش، پیداست که در این نوع درمان‌ها، رابطهٔ مستقیمی بین روش درمان و بیماری، آن‌گونه که در پزشکی مدرن به آن برمی‌خوریم، وجود ندارد. استفاده از درمان‌های تک‌روش رابطهٔ معناداری با درمان‌های اسطوره‌ای دارد؛ چراکه غالباً با یک عنصر معنوی یا اساطیری در ارتباط بوده و به‌وسیلهٔ آن فرایند شفا محقق می‌شود. غالب آیین‌های شفا که بدون توجه به نوع بیماری، اعمال ثابتی را برای درمان به انجام می‌رسانند در این تقسیم‌بندی جای می‌گیرند. بررسی بینش حاکم بر این روش‌های درمانی و دلایل پایداری این سنت‌ها می‌تواند به درک چگونگی اثربخشی، در درمان بیماری‌ها در خلال قرون کمک شایان توجهی کند و موجب تعامل سازند تاریخ پزشکی و شاخه‌های مختلف دانش شود. مراسم تدهین در مذهب کاتولیک یکی از این درمان‌های تک روش است که بدون توجه به نوع بیماری، مراسمی یکسان را برای مؤمنان دردمند برگزار می‌کند.

پی‌نوشت‌ها:

[۱] Differential Diagnosis تشخیصی که بر یافته‌های بالینی استوار است و در آن با افتراق بین دو یا چند بیماری که علائم مشابه دارند، بیماری شناسایی می‌شود.

[۲] Pathogen

[۳] Mythological Treatments

[۴] Monotonous treatment

[۵] Carl Gustav Jung (۱۸۷۵ تا ۱۹۶۱) فیلسوف و روان‌پزشک اهل سوئیس بود. از آثار مهم او می‌توان به «تحلیل رؤیا، «انسان و نمادهایش»، «انسان و اسطوره‌هایش»، «انسان در جست‌وجوی هویت خویشتن»، «روان‌شناسی و علوم غیبی»، «روح و زندگی»، «ناخودآگاه جمعی و کهن‌الگو»، «روان‌شناسی و کیمیاگری»، «راز گل زرین» و... اشاره کرد.

[۶] Joseph Campbell (۱۹۰۴ تا ۱۹۸۷م) اسطوره‌شناس آمریکایی که در زمینهٔ اسطوره‌شناسی و مذهب مطالعات وسیعی انجام داده است. از آثار او که به فارسی ترجمه شده‌اند می‌توان «تو آن هستی»، «زندگی در سایهٔ اساطیر»، «قهرمان هزارچهره»، «قدرت اسطوره» و «سفر قهرمان» را نام برد.

[۷] درمانگری در ایران وجود دارد به نام حاج حسین قنبری قائم که برخی او را «پیر مهر» نام می‌نهند. او بیمارانش را با دادن یک تکه نبات درمان می‌کند (۴۲) و از این رو به «آقای نباتی» شهرت دارد.

[۸] هوم نامِ یک نوشیدنی مذهبی بود که مؤمنان زرتشتی در مراسم مختلف و برای درمان بیماری‌ها آن را می‌نوشیدند.

[۹] Mircea Eliade (۱۹۰۷ تا ۱۹۸۶) از اسطوره‌شناسان و دین‌پژوهان نامدار معاصر است. از آثار او می‌توان به «دائره‌المعارف دین»، «متون مقدس بنیادین از سراسر جهان»، «چشم‌اندازهای اسطوره»، «شمنیسم: فنون کهن خلسه»، «اسطوره و واقعیت»، «تصاویر و نمادها»، «آیین‌ها و نمادهای تشرف: اسرار تولد و تولد دوباره»، «مقدس و نامقدس»، «اسطورهٔ بازگشت جاودانه»، «اسطوره، رؤیا، راز»، «خدای ناپدیدشونده: زالموکسیس» و «مجموعهٔ تاریخ اندیشه‌های دینی» اشاره کرد.

[۱۰] Ecclesia Catholica

[۱۱] Symbolum Nicaenum: اعتقادنامهٔ نیقیه، بیانیه‌ای اعتقادی است که در سال ۳۲۵ م در شهر نیقیه نوشته شده و نکات اصلی اعتقادات مسیحیت در آن آمده و موردقبول همهٔ مسیحیان به‌جز شاهدان یهوه، یگانه‌انگاران، مدالیست‌ها و... است. این اعتقادنامه دارای چهار بند است که با عبارت «ما ایمان داریم» آغاز می‌شود.

[۱۲] Sacrament: در زبان لاتین کلمهٔ «ساکرامنتوم» به معنای «نشانهٔ مقدس» است.

References:

1. Azizi MH. Research methodology in history of medicine. Journal of Islamic and Iranian Traditional Medicine. 2010 Sep 10;1(2):99-104.
2. Aghebati A, Safdari R, Dargahi H, Gushehgir SA, Saharkhiz P. Evaluation of information Traditional medicine. Journal of Islamic and Iranian Traditional Medicine. 2014 Dec 10;5(3):263-9.
3. Braun H. The role of the physiology of the pathogen in the theory of the pathogenesis of infectious diseases. Munchener Medizinische Wochenschrift (1950). 1956 Jan 6;98(1):16-23.
4. Available from: https://raoiit.com/. specializations-in-medicine.php. available on 7/03/2021.
5. Holroyd S. The elements of Gnosticism. Ed by Ismailpour A. Tehran: Ostureh; 2009. [In Persian].
6. Eliade M. From medicine men to Muhammad. Translated by Salehi Allama M. Tehran: Varjavand; 2003. [In Persian].
7. Noll MA. The new shape of world Christianity: How American experience reflects global faith. Downers Grove, Illinois: IVP Academic; 2013. P:191.
8. Vatican Bollettino. Pubblicazione dell'Annuario Pontificio e dell'Annuario Statistico della Chiesa. [Online] 25.03.2020. [In Italian]. [Cited: 11 29, 2020.]. Available from: https://press.vatican.va/content/salastampa/it/bollettino/pubblico/2020/03/25/0180/00411.html.
9. Manoukian A. Church rites. Ed by Hayraptian M. Peyman Cultural Quarterly. 2004; 8(30):136.
10. Available at: http://pocf.ca/S.M.P.O.C. Accessed November 27 2020.
11. Horton R. Georges canguilhem: Philosopher of disease. Journal of the Royal Society of Medicine. 1995 Jun;88(6):316.